

نگاه اهل سنت به حادثه عاشورا

## نگاه اهل سنت به حادثه عاشورا

در مورد جریان عاشورا در بین اهل سنت دو نظر وجود دارد، عده قلیلی از علمای اهل سنت که تابع افکار بنی امیه هستند، در جریان عاشورا امام حسین(ع) را مقصر دانسته و یزید را از هر بدی مبرا می‌کنند، مانند روش بنی امیه که عاشورا را عید خود قرار داده بودند. اما در مقابل اکثر علمای اهل سنت یزید را لعن کرده و توهین وی به اهل بیت پیامبر(ص) را تأیید نموده اند. از جمله امام شافعی، سبط بن الجوزی، جاحظ، شوکانی، شیخ محمد عبده و....

## عاشورا از منظر فقیه جاودانه

جهت رعایت عدل و انصاف باید اذعان داشت که دیدگاه های اهل سنت یکسان نیست و نمی شود حکم واحدی در مورد همه ی آنها داد. بالعکس اهل تشیع که به خاطر اجتماع حول یک محور «ولایت و امامت» از دیدگاه واحدی برخوردار هستند.

به عنوان مثال اگر به اهل سنت ایران توجه شود، همگی اهل بیت (علیهم السلام) را دوست داشته و معظم می دارند و اگر به اهل سنت ترکیه توجه کنیم، چند دسته هستند. در حالی که برخی از حنفی ها [در آنکارا، استانبول و ..] تعصبات شدیدی دارند، نام بسیاری از مسلمانان اهل سنت مناطق کرد نشین، حسن یا حسین است. یکی از آنها که نامش حسن بود می گفت: ما با روضه امام حسین (علیه السلام) که پدرانمان می خوانند بزرگ شدیم و معاویه و یزید را دائم لعن می کنیم.

برای شناخت دیدگاه اهل سنت، باید دسته بندی های متفاوتی در نظر گرفت. به عنوان مثال: کتب و منابع معتبر آنها یک شاخه است و دیدگاه عامه ی مردم که معمولاً کتاب نمی خوانند به سخن بزرگان خود گوش می دهند یک شاخه ی دیگر است و سخن بزرگانشان نیز کاملاً متفاوت و اغلب متضاد است. به همین دلیل اهل سنت، از یک مذهب در دو قوم، کاملاً دیدگاه های متفاوتی دارند.

## الف - منابع معتبر و کتب:

- ابن عماد حنبلی که از بزرگان اهل سنت است، حوادث کربلا و عاشورا را نقل می کند و سپس می نویسد: «قاتل الله فاعل ذلک وأخزاه ومن أمر به أو رضیه. ..» خداوند بکشت کسی را که امام (علیه السلام) را کشت و خاندان اهل بیت(علیهم السلام) را به اسارت برد و راضی به این عمل بوده است. «شذرات الذهب (متوفی 1089) ج 1 ص 66»

- آلوسی، متوفی 1270، یکی از علمای اهل سنت است که نه تنها خصومت خاصی با تشیع دارد، بلکه گاه از «وهابیت» که نه شیعه است و نه سنی، بلکه یک تشکیلات بنیانگذاری شده توسط انگلیس برای نابودی اسلام است نیز دفاع کرده است، در پاسخ عده ای که برای خلاصی از وجدان درد در طرفداری یزید مدعی شدند او توبه کرده است، می نویسد: «الظاهر أنه لم یتب، و احتمال توبته أضعف من إيمانه، و يلحق به ابن زیاد و ابن سعد و جماعة فلَعْنَةُ اللَّهِ عز و جل عليهم أجمعين، و على أنصارهم و أعوانهم و شيعتهم و من مال إليهم إلى يوم الدين ما دعت عين علي أبي عبد الله الحسين».

ترجمه: ظاهر این است که یزید توبه نکرده است و احتمال توبه او ضعیف تر از ایمانش است و ابن زیاد و ابن سعد ملحق به او هستند و تا چشمی برای امام حسین اشک می ریزد خدا یزید و اتباع او را لعنت کند. (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 13، ص: 228)

- ابن جوزی، که او نیز از علمای معروف و معتبر اهل سنت است، در پاسخ به اعتقادات خطای برخی از اهل سنت راجع به یزید [مانند ابوبکر ابن عربی مالکی]، خلافت غصبی و خلاف هایش می نویسد: «از اعتقادات بعض عامه که خود را سنی می دانند این است که: یزید کار درستی انجام داده است. (این ادعا به استناد همان جو سازی زمان امام حسین (علیه السلام) که می گفتند یزید خلیفه است و بر هر مسلمانی واجب است با او بیعت کند و اگر نکند از دین خارج شده و خونش مباح است). ابن جوزی ادامه می دهد: «آنها اگر به تاریخ نگاه می کردند می فهمیدند که اصلاً یزید خلیفه نبوده و مردم ملزم [مجبور] به بیعت با او شدند و یزید از هیچ کار قبیحی دوری نکرده است و بر فرض که عقد بیعت او صحیح هم باشد، خلافتکاری هایی از او سر زده است که همه آنها موجب فسخ بیعت است و با وجود این، به حرف ابوبکر ابن عربی مالکی کسی تمایل پیدا نخواهد کرد مگر انسان های جاهل.»

### ب - عید گرفتن بنی امیه و تداوم آن:

اما عید گرفتن در روز عاشورا، همان سنت یزید و یزیدیان است. و البته منظور از عید همان روز جشن و شادی بوده است. چنان چه در زیارت عاشورا تصریح شده است «وَ هَذَا یَوْمٌ قَرَحَتْ یَهْ آلُ زَیَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ یَقْتُلِهِمُ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ - و این روز است که در آن شادمان شدند دودمان زیاد و مروان به خاطر قتل حسین صلوات الله علیه.»

پس از آن دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) که در لباس اسلام و ادعای مسلمانی حکومت بر مسلمین را بر عهده گرفتند، برای آن که از سوپی اذهان عمومی مسلمین در محرم و به ویژه دهه ی اول متوجه واقعه ی کربلا نگردد و به آن تفکر نکنند و از سوی دیگر مشغول به دنیا و جشن و شادی و سرور باشند، اعلام کردند که ماه های هجری از محرم شروع می شود [در حالی که از ربیع الاول بود] و دهه ی اول را نیز به عنوان جشن آغاز سال بدعت گذاشتند. پس، کربلا و عاشورا به لحاظ کتب اهل سنت به دو دسته است: کتبی که ضمن نقل بخشی از حقایق و وقایع، یزید و طرفداران او را محکوم و حتی لعن کرده اند - کتبی که سعی کردند توجیه کنند.

اما به لحاظ مردم اهل سنت، به چند دسته تقسیم می گردند: مردمی که کتاب و تاریخ را مطالعه کرده و اطلاعاتی دارند - مردمی که به امام حسین (علیه السلام) عشق می ورزند و معاویه و یزید را لعنت می کنند - مردمی که اساساً از موضوع دینی و اعتقادی غافلند و فقط یک سری اعمال خشک و بی روح انجام می دهند - مردمی که حتی بغض دارند [مثل ناصبی ها و وهابیت کنونی].

### نظر اهل سنت درباره لعن یزید

حادثه کربلا در میان اهل تسنن موجی ایجاد کرد که زبان و قلم دانشمندان آنان گاه ناخواسته و زمانی با شجاعت به توصیف و تجزیه و تحلیل آن پرداخته است.

### شوکانی در کتاب «نیل الاوطار»

شوکانی در کتاب «نیل الاوطار» در رد بعضی از سخنوران درباری می گوید: به تحقیق عده ای از اهل علم افراط ورزیده، چنان حکم کردند که: «حسین (علیه السلام) نوه پیامبر که خداوند از او راضی باشد. نافرمانی یک آدم دائم الخمر را کرده و حرمت شریعت یزید بن معاویه را هتک کرده است.» خداوند لعنتشان کند، چه سخنان عجیبی که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست

می گردد.

تفتازانی در کتاب «شرح العقاید»

تفتازانی در کتاب «شرح العقاید» می نویسد: حقیقت این است که رضایت یزید به قتل حسین(علیه السلام) و شاد شدن او بدان خبر و اهانت کردنش به اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از اخباری است که در معنی متواتر است هر چند تفاسیل آن متواتر نیست. درباره مقام یزید بلکه درباره ایمان او که لعنت خدا بر او و یارانش باد، توافقی نداریم.

جاحظ

جاحظ می گوید: منکراتی که یزید انجام داد، یعنی قتل حسین(علیه السلام) و به اسارت گرفتن زن و فرزند او و ترساندن اهل مدینه و منهدم ساختن کعبه، همه اینها بر فسق و قساوت و کینه و نفاق و خروج از ایمان او دلالت می کند.

بنابراین، یزید فاسق و ملعون است و کسی که از لعن او جلوگیری کند، نیز ملعون است.

ابن حجر هیثمی مکی در کتاب «الصواعق المحرقة»

ابن حجر هیثمی مکی در کتاب «الصواعق المحرقة» می نویسد: پسر امام حنبل در مورد لعن یزید از وی پرسید. احمد در جواب گفت: چگونه لعنت نشود کسی که خداوند او را در قرآن لعن کرده است.

آنجا که می فرماید: «فصل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله» و چه مفاسدی و قطع رحمی از آنچه یزید انجام داد، بالاتر است؟!

عبدالرزاق مقرر در کتاب «مقتل الحسین»

عبدالرزاق مقرر در کتاب «مقتل الحسین» می گوید: به تحقیق گروهی از علما از جمله قاضی ابویعلی و حافظ ابن جوزی و تفتازانی و سیوطی در مورد کفر یزید نظر قطعی داده اند و با صداقت تمام لعن او را جایز شمرده اند.

شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده می گوید: هنگامی که در دنیا حکومت عادلانه وجود دارد که هدف آن اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن حکومتی ستمگر است که می خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر فرد مسلمانی کمک کردن حکومت عدل واجب است و از همین باب است انقلاب امام حسین که در برابر حکومت یزید که خدا او را خوار کند. ایستاد.

سبط بن جوزی

از سبط بن جوزی در مورد لعن یزید پرسیده شد. او در جواب گفت: احمد حنبل لعن او را تجویز کرده است، ما نیز به خاطر جنایاتی که درباره پسر دختر رسول خدا مرتکب شد، او را دوست نداریم و اگر کسی به این حد راضی نمی شود، ما هم می گوئیم اصل، لعنت کردن یزید است.

امام شافعی

حادثه کربلا چنان در قلوب نفوذ کرد که بسیاری از بزرگان اهل تسنن آن را در قالب شعر مطرح ساخته، اندوه خویش را ابراز کردند. امام شافعی که در دوستی اهل بیت زیانزد است. درباره نهضت کربلا چنین سروده است:

قتیل بلا جرم کان قمیصه صبیغ بماء الارجوان خصب نصلی علی المختار من آل هاشم و نوذی بنیه ان ذاک عجیب لئن کان ذنبی حب آل محمد(صلی الله علیه و آله) فذلک ذنب لست عنه اتوب هم شفعا ئی یوم حشری و موقفی و بغضهم للشافعی ذنوب

حسین(علیه السلام) کشته ای بی گناه است که پیراهن او به خونش رنگین شده و عجب از ما مردم آن است که از یک طرف به آل پیامبر درود می فرستیم و از سوی دیگر فرزندان او را به

قتل می‌رسانیم و اذیت می‌کنیم!  
اگر گناه من دوستی اهل بیت پیامبر است، پس من هیچ گاه از آن توبه نمی‌کنم. اهل بیت  
پیامبر(علیهم السلام) در روز محشر شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنان دشمنی داشته  
باشم، گناهی نابخشودنی است.